

یادداشت

روابط آمریکا–عربستان روابط متقابل نامتقارن



سیدمحمدحسینی

سفر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

در جهانی که ارتباطات، وابستگی متقابل، پیچیدگی، فشرده‌گی، ابهام طبیعی و ابهام مهندسی شده، شاخسه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند، «یوتویپالیادیشی» و «قطع ارتباط» با این و آن، تنها به «انزوا» و «انفعال» کشورها منجر می‌شود؛ گویی در جهان شبکه‌ای، «دیواری بئی» به دور خود یکشد. راهبرد غلغلابی در جهان امروز، روندی است که وابستگی یک‌سویه را کاهش می‌دهد و به وابستگی متقابل نامتقارن و در نهایت به وابستگی متقابل ختم می‌شود. این روند در گرویک وضعیت است؛ «ایجاد منافع بلندمدت و درونی» چیزی که «هانتز» از آن با عنوان منافع ذاتی Intrinsic Interest یاد می‌کند. نگاهی به روند روابط آمریکا و عربستان، گویای این واقعیت است که سعودی‌ها طی یک دهه گذشته توانسته‌اند وابستگی امنیتی خود را به‌طور نسبی به آمریکا کاهش دهند و وضعیت روابط خود را با آمریکا به «وابستگی متقابل نامتقارن» تبدیل کنند.

چایگاه نفت عربستان در سبد تولید و امنیت انرژی از سال ۱۹۵۰، عربستان را مستعد توجه ویژه آمریکا به این کشور کرده بود. آمریکا طی دهه‌های گذشته، ثبات سیاسی در عربستان را لازمه امنیت انرژی می‌دانست، حافظ امنیت حکومت عربستان بود و بر شیوه حکمرانی بدوی و نقض بنیادین حقوق بشر در عربستان چشم می‌پوشید. نفت، منشأ منافع درونی، بلندمدت و ذاتی آمریکا در عربستان بود اما حکمرانان عربستان تا پیش از سال ۲۰۱۰ توانسته بودند آن را در روابط خود با آمریکا به درستی «نقد» کنند، چون استراتژی عربستان تا پیش از ۲۰۱۰ «استراتژی بقا» بود. تحولات اقتصاد جهانی، روی کار آمدن نسل جوان در حکمرانی عربستان و شبه‌انقلاب‌های عربی در تونس و مصر، سه عاملی بود که توسعه‌» تغییر دهند. حکمرانان عربستان به روشنی دیدند چطور حسنی مبارک پس از مواجهه با اعتراضات مردمی «پشت در کاخ سفید ماند» و ریجکت شد. از این‌رو سعودی‌ها تصمیم گرفتند به جای قراردادن تمام تخم‌مرغ‌های خود در سبد امنیتی آمریکا، تخم‌مرغ‌های خود را در سبد قدرت‌های غرب و شرق توزیع کنند. تنوع‌بخشی در روابط خارجی با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و موازنه‌سازی ژئوپلیتیک در همین راستا صورت گرفت. روندی که اکنون نیز ادامه دارد. تسهیل سرمایه‌گذاری قدرت‌های شرقی و غربی در عربستان، گسترش روابط با چین، روسیه و ترکیه، سرمایه‌گذاری در نهادهای مالی بین‌المللی، تصویرسازی جدید از عربستان با افکار عمومی با جاذبه‌های توریستی، هنری و ورزشی، سکولاریزه‌کردن سپهر سیاست داخلی کاهش بار مسئولیت‌های پرهزینه و کم‌فایده وهابیت در منطقه و بالاخره رهیدگی از جنک سوریه و یمن از طریق عادی‌سازی روابط با ایران برای مدیریت تنش ازجمله اقداماتی است که عربستان از سال ۲۰۱۰ به تدریج و با هدف تغییر ریل از استراتژی بقا به استراتژی توسعه انجام داده است. این روند‌ها اثر مستقیم خود را در روابط آمریکا و عربستان نیز گذاشته؛ به طوری که روابط این دو از وضعیت وابستگی عربستان به آمریکا به «وابستگی متقابل نامتقارن با برتری آمریکا» تبدیل شده است. حالا دیگر آمریکا اگر چیزی را اراده کند و به عربستان بگوید «کن» به سادگی «فیکون» نمی‌شود چون عربستان نیز برای انجام سیاست‌های آمریکا شروطی می‌گذارد. نمونه بارز آن درخواست آمریکا از عربستان برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر است. از مقابل شروط قابل توجهی هست که عربستان برای این مسئله گذاشته است. کافی است به ۲۰ تا ۳۰ سال پیش برگردیم. در آن زمان هیچ تحلیلگر سیاسی باور نمی‌کرد عربستان برای انجام سیاست‌های آمریکا در حوزه انرژی و سیاست‌های منطقه‌ای شرط بگذارد. اما امروز وضعیت تغییر کرده است. موفقیت در سیاست امری فرآیندی است و به نظر می‌رسد عربستان این فرایند را به خوبی طی کرده است و ادامه خواهد داد. این روزها مهم‌ترین مسئله روابط آمریکا و عربستان، نقش مثبتی است که عربستان می‌تواند برای بلوک غرب و به‌خصوص چین در منطقه و بحران غزه از طریق عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی انجام دهد. آمریکا از عربستان خواسته است:

۱- روابط عربستان با اسرائیل رسمی نشود.
۲- عربستان در تولید و قیمت‌گذاری نفت با آمریکا به طور کامل هماهنگ شود.
۳- در صورت فعال‌شدن تقابل آمریکا با چین، عربستان در جبهه آمریکا قرار بگیرد و روابط تجاری و سیاسی خود را با چین قطع کند یا کاهش دهد.

عربستان اما تحقق سه خواسته فوق را منوط به پنج شرط کرده است:

۱- بر اساس آنچه در مجلس سنا نیز به تصویب رسیده است، دولت آمریکا با عربستان پیمان امنیتی جدید منعقد کند. پیمانی که مانند تعهد آمریکا به اعضای ناتو است.
۲- آمریکا زیرساخت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در عربستان ایجاد کند و امکان غنی‌سازی اورانیوم به دانشمندان هسته‌ای عربستانی را زیر نظر آژانس بین‌المللی اتمی قرار دهد.
۳- آمریکا در اعمال سیاست‌هایش در غرب آسیا بیش از گذشته با عربستان همراه باشد.
۴- آمریکا دولت مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل را به رسمیت بشناسد.
۵- اسرائیل حملات به غزه و رفع را خاتمه دهد.

گزارش

۴ گزینه روی میز ۱۴

<div><div>۴۳</div><div><div>ایامه از صفحه ۲</div></div></div>

محمد شریعتمداری هم پس از ثبت‌نام در انتخابات با بیان اینکه درست است که بدون سیاست‌گذاری نمی‌توان حکمرانی موفقی داشت، اما هیچ سیاستی هم بدون یک روح جمعی امیدوار و متحد موفق نخواهد شد، گفت: «امروز من به این دلیل اینجا هستم که می‌دانم حال ایران ما، این میراث مستترکمان خیلی خوب نیست، اما باور دارم که می‌شود اوضاع را بهتر کرد و ایرانی آباد و شاد ساخت.»شریعتمداری اضافه کرد: نه حاکمیت دوگانه شکل می‌دهم و نه یکدمت‌سازی و خالص‌سازی خواهیم کرد، بلکه تلاش می‌کنم تفاهم و ائتلاف حداکثری را برای حل مسائل مردم به وجود آورم.

مسعود پزشکیان، نماینده مجلس پس از ثبت‌نام در سسات انتخابات وزارت کشور گفت: ضمن ابراز تأسف از حادثه ایجادشده برای رئیس‌جمهوری، برای کمک به افزایش مشارکت، وارد صحنه رقابت‌ شدم. آنچه باید انجام دهم، ارائه حرف‌ها و راه‌های جدید نیست، مشکل این است که حرف‌های رهبری و قانون برنامه را می‌گذاریم یک طرف و از خودمان حرف جدید می‌زنیم. آنچه من می‌گویم، سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبری است و آنچه عمل می‌کنیم، همین است. جمیع سخنان این نامزدها حول ایرانی بود که حالی این روزها خوب نیست، واقعیت این است که نه فقط اراده که دانش و تجربه لازم برای اصلاح‌ش کار خالص‌سازی‌که سه سال گذشته حکمرانی کردند، نیست و برای آبادانی ایران نیاز به حضور همه گرایش‌هاست.

رهبر انقلاب در مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی^(د) با اشاره به ضرورت رعایت اخلاق در رقابت‌های انتخاباتی تصریح فرمودند:

رقابت برای خدمت



عکس‌یازنگار اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

رژیم منحوس بر سیاست و اقتصاد غرب آسیا و همه دنیای اسلام فراهم شود. ایشان افزودند: این نقشه شوم به لحظات اجرا کاملا نزدیک شده بود که طوفان معجزه‌آفرین الاقصی آغاز شد و همه بافته‌های آمریکا، صهیونیسم و دنباله‌های آنان را بر باد داد؛ به‌گونه‌ای که با حوادث هشت ماه اخیر، امیدی به احیای دوباره آن نقشه وجود ندارد. رهبر انقلاب، جنایات بی‌سابقه و قساوت بی‌حدومرز رژیم ددمنش و حمایت دولت آمریکا از این وحشی‌گری‌ها را واکنش‌های عصبی به باطل‌شدن توطئه بزرگ بین‌المللی برای مسلط‌کردن رژیم صهیونیستی بر منطقه دانستند. ایشان در تبیین ویژگی دوم طوفان الاقصی یعنی وارد‌رودن ضرب غریبقابل‌جبران به رژیم صهیونیستی، به‌ اعترافات تحلیلگران و صاحب‌نظران آمریکایی و اروپایی و حتی وابستگان به رژیم منحوس استناد کردند و افزودند: آنها هم ادعان دارند که رژیم اشغالگر با آن همه یال و کوبال ادعایی، از یک گروه مقاومت شکست‌ سختی خورده و بعد از هشت ماه به‌هیچ‌یک از اهداف حداقلی خود نرسیده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سخن یک تحلیلگر غربی درباره قدرت طوفان الاقصی برای تغییر‌دادن قرن بیست‌ویکم، افزودند: تحلیلگران و مورخان دیگری هم به آشفتنگی و سرگیجه رژیم، موج مهاجرت معکوس، ناتوانی در حفاظت از ساکنان سرزمین‌های اشغالی و رسیدن پروژه صهیونیستی به نفس‌های آخر خود، اشاره و تأکید کرده‌اند که «جهان در آغاز پایان رژیم صهیونیستی است». ایشان با اشاره به تبدیل مسئله فلسطین به مسئله اول دنیا و تظاهرات ضدصهیونیستی در لندن، پاریس و دانشگاه‌های آمریکا، گفتند: سال‌های متعددی برای تبلیغاتی و رسانه‌ای آمریکایی- صهیونیستی برای فراموش‌شدن مسئله فلسطین تلاش کردند اما در پرتو طوفان الاقصی و ایستادگی مردم غزه، فلسطین اکنون مسئله اول جهان است و آمریکا هم در مقابل اجماع جهانی ملت‌ها دچار انفعال شده و دیر یا زود مجبور می‌شود دستش را از پشت رژیم صهیونیستی بردارد. رهبر انقلاب مصیبت‌های مردم غزه از جمله شهادت حدود ۴۰ هزار نفر و کشتار حدود ۱۵ هزار کودک و نوزاد و شیرخوار را هزینه سنگین ملت فلسطین در مسیر نجات از دست صهیونیست‌ها خواندند

و گفتند: مردم غزه به برکت ایمان اسلامی و اعتقاد به آیات قرآنی، همچنان مشکلات را تحمل و با ایستادگی اعجاب‌برانگیز از حماسه‌سازان و مبارزان مقاومت دفاع می‌کنند. ایشان محاسبه غلط رژیم صهیونیستی درباره توانایی‌های جبهه بزرگ مقاومت را باعث ورود آن رژیم به دالان بنیستی دانستند که شکست‌های پی‌درپی را نصیب آن می‌کند و به حـول و قوه الهی راه نجاتی برای خروج از این بی‌بست نخواهد داشت. جمع‌بندی رهبر انقلاب از سخنان‌شان درباره فلسطین این جملات بود: رژیم صهیونیستی با وجود حرف‌های تبلیغاتی غرب، در پیش چشم مردم جهان در حال ذوب‌شدن و تمام‌شدن است و به‌جز ملت‌ها، بسیاری از سیاسیون جهان و حتی صهیونیست‌ها این واقعیت را فهمیده‌اند. رهبر انقلاب در بخش دوم سخنان‌شان به حادثه شهادت جانگداز رئیس‌جمهور مغتتم و عزیز و پرکار و همراهان ایشان پرداختند و گفتند: هریک از همراهان رئیس‌جمهور به نوبه خود شخصیت‌های ارزشمندی بودند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تجلیل از همراهان رئیس‌جمهور گفتند: مرحوم آقای آل‌هاشم امام‌جمعه فعال، مردمی و شایسته شهر تبریز و نماینده رهبری در استان مهم آذربایجان شرقی و شخصیتی ارزشمند بود که ارتباطات قلبی و کاری با قاطبه مردم از جمله جوانان، دانشجویان، هنرمندان و ورزشکاران برقرار می‌کرد. رهبر انقلاب افزودند: آقای امیرعبدلهمان وزیر امورخارجه فعال، پرکار و با ابتکار نیز مذاکره‌کننده‌ای قوی، باهوش و پایمند به میانی و اصول بود. همچنین سایر همراهان چه استاندار آذربایجان شرقی و چه آن برادر مامور حفاظت رئیس‌جمهور و چه آن سه عزیز کادر پرواز مهمی بر اساس گفته‌های آشتایان، افرادی شایسته، برجسته و مؤمن بودند. ایشان فقدان این عزیزان را حقیقتا خسارت برای کشور خواندند و گفتند: قرآن کریم در سوره بقره می‌فرماید «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگویید چراکه آنها زنده هستند اما شما نمی‌دانید» و از آنجا که در این آیه بحثی درباره حرکت نظامی و جنگ نیست، هر کسی در راه خدا همچون راه خدمت به مردم، کار جهادی برای آنها و راه اداره کشور و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی کشته شود شهید است.

«شرق» از تلاش تروئیکای اروپایی عضو برجام برای صدور قطع‌نامه ضدایرانی در نشست فصلی شورای حکام گزارش می‌دهد

تنش به وقت وین

خط‌ونشان تهران

با توجه به متن و محتوای نسبتاً تند دو گزارش جدید گروسی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین با در نظر گرفتن سیر اخبار و گزارش‌های هفته گذشته که از احتمال بالای صدور قطع‌نامه ضدایرانی در نشست فصلی شورای حکام خبر می‌داد، تهران پیشاپیش برای آلمان، فرانسه و انگلستان خنوشان جدی کشیده بود. کم‌اینکه شنبه هفته جاری علی شمخانی، طی پیامی در شبکه اجتماعی ایکس ضمن هشدار به کشورهای اروپایی در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ایران نوشت «اگر برخی کشورهای اروپایی کج‌فهم در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ایران بخواهند در نشست آتی شورای حکام آژانس، موضع خصمانه‌ای نسبت به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اتخاذ کنند، با واکنش جدی و مؤثر کشورمان روبه‌رو خواهند شد». بی‌شک این پیام کوتاه و تهدید علی شمخانی، نه در مقام دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی، بلکه از زبان کسی مطرح شده است که از فروردین سال جاری مسئولیت مذاکرات هسته‌ای را بر عهده دارد. با در نظر گرفتن این نکته، احتمالاً صدور هر گونه قطع‌نامه در شورای حکام می‌تواند مسیر مذاکرات جاری را که با گفت‌وگوهای چراغ‌خاموش در نیویورک و مسقط پی گرفته شده است و قرار بود با کشورهای اروپایی هم ادامه پیدا کند، با دست‌انداز جدی مواجه کند. نکته یادشده از آن جهت اهمیت مضاعف دارد که دیروز سه‌شنبه هم محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در سفر به شهرکرد، همسو با تهدید شمخانی هشدار داد که «اگر در شورای حکام قطع‌نامه ددمن یا فشار سیاسی برآیند، قطعاً عکس‌العمل نشان می‌دهیم.» دوشنبه هفته گذشته نیز ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه تأکید کرده بود «واردکردن و دخیل‌کردن رویکردهای سیاسی و تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی برخی بازیگران نمی‌تواند در مسیر همکاری‌های سازنده ایران و آژانس کمک‌کننده باشد.»

موضع گروسی و آژانس در برابر قطع‌نامه ضدایرانی

هرچند طبق برخی گزارش‌های ارسالی، رافائل گروسی در مقام مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگران تبعات مخرب صدور قطع‌نامه ضدایرانی تروئیکای اروپایی بر میزان و آینده همکاری دو طرف (تهران و آژانس) است، اما به نظر می‌رسد گروسی در نهایت به این قطع‌نامه تمکین خواهد کرد. دراین‌باره باید در نظر داشت که موتور پیش‌نویس قطع‌نامه لندن، پاریس و برلین علیه برنامه هسته‌ای ایران با موضع‌گیری‌ها و نیز گزارش‌های گروسی و آژانس روشن شد. در همین راستا و علاوه بر گزارش جدید گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که سخنران افتتاحیه روز دوشنبه نشست فصلی شورای حکام بود، با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد «ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد در حال افزایش است و آژانس تلاوم دانش خود را در رابطه با تولید و موجودی سانترفیوژها، آب سنگین و کنسانتره سنگ اورانیوم از دست داده است». گروسی سخنانش را این‌گونه ادامه داد: «بیش از سه سال از توقف اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران می‌گذرد و لذا آژانس قادر به دسترسی تکمیلی در نظر نبوده است». این دیپلمات برجسته حوزه هسته‌ای به اختلافات پادمانی با تهران هم ورود و مجدداً تکرار کرد: «هیچ پیشرفتی در حل‌وفصل مسائل پادمانی باقی‌مانده وجود نداشته است و ایران توضیحات فنی معتبری برای حضور ذرات اورانیوم با منشأ انسانی در ورامین و تورقوزآباد به آژانس ارائه نداده است یا آژانس را از مکان‌های (های) فعلی مواد هسته‌ای با تجهیزات آلوده مطلع نکرده است». مدیرکل آژانس در ادامه ادعاهای خود اضافه کرد: «ایران هنوز کد اصلاحی ۳.۱ را اجرا نمی‌کند، زیرا اعلام کرده که اجرای آن را به حالت تعلیق درآورده است.

گزارش

شریک دزد و رفیق قافله

<div><div>۴۳</div><div><div>ایامه در صفحه ۴</div></div></div>

چون از منظر رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم، «اماراتی‌ها با توجه به شرایط ایران بسیار خوب می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران با تداوم سیاست خارجی فعلی یک چالش در عرصه جهانی و به‌خصوص غربی‌ها در پیش‌رو دارد و این مسئله باعث شکل‌گیری اختلافات و گسل جدی بین ایران و سه عضو دائم دیگر شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه و انگلیس شده است که در وضعیت کنونی، بستری هم برای تنش‌زدایی با واشنگتن، پاریس و لندن وجود ندارد.»

از این‌رو فلاح‌تپیشه بقین دارد که «ابوطیبری در تکاپو است به هر نحو ممکن پکن و مسکو را هم کنار واشنگتن، لندن و پاریس قرار دهد تا تمام اعضای ثابت و دارای حق وتو در شورای امنیت به موضوع جزایر سه‌گانه ورود کنند». نماینده ادوار مجلس این را هم متکرر می‌شود که از طرف دیگر امارات می‌داند که متأسفانه ایران یک رابطه استراتژیک با روسیه و چین برای خود تعریف کرده است و این باعث اغراض و اکراره تهران در مسائل مختلف، مشخصاً در قبال مسکو و پکن می‌شود. به همین دلیل از بی‌طرف‌تپیشه، «چون اماراتی‌ها واقفاند که روسیه و چین در قالب راهبرد نگاه شرق تهران می‌توانند به ایران فشار بیآورند و منافع کشورمان را به چالش بکشند، پس پای این دو کشور را هم به موضوع جزایر باز کرده‌اند». با ذکر نکات فوق، استناد آندنگاه این را هم عنوان می‌دارد که «موضوع اختلاف تهران ابوطیبری بر سر جزایر سه‌گانه و تنب بزرگ و تنب کوچک نیست، مسئله مهم‌تر فعلاً جزیره ابوموسی است.»

«بدل دیپلماتیک» راه‌حل موقت؟!

بسیاری معتقدند عدم تعامل همه‌جانبه در مناسبات بین‌المللی، فقدان موازنه دیپلماتیک توسط ایران و به دنبال آن ریختن تمام تخم‌مرغ‌های سیاست خارجی در سبد چین و روسیه سبب تضعیف جایگاه تهران شده است و در این بین به واسطه اقتضات و واقعیت‌های عرصه سیاسی، دیپلماتیک، ژئوپلیتیک و همچنین مناسبات اقتصادی، تجاری و حتی نظامی، دفاعی و تسلیحاتی، کشورهایی مانند روسیه و چین طی سال‌های اخیر تمایل بیشتری به کشورهای حاشیه خلیج فارس پیدا کرده‌اند. به همین واسطه، سیاست نگاه به شرق تهران نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد.

در چنین شرایطی که فعلاً راه‌حل مؤثری توسط تهران در جهت تغییر ریل سیاست خارجی از نگاه به شرق وجود ندارد، به نظر می‌رسد هوشمندانه‌ترین واکنش به طرح حمایت دوستان ایران از چین و سوریه تا روسیه بر ادعای امارات درخصوص جزایر سه‌گانه به اقدام سیدکمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در جریان دیدار ۲۶ تیر ۱۴۰۲ با کارن‌ووتشوی آیکوا، سفیر ژاپن در تهران بازمی‌گردد که در این دیدار به اختلافات ارضی توکیو-مسکو درخصوص جزایر روسیه پس از جنک جهانی دوم، جزایر کویرل را به سرزمین خود منضم کرد، ولی ژاپن این جزایر را سرزمین شمالی می‌نامد و آنها را «اشغال‌شده به دست روسیه» می‌داند.

در همان دیدار تیرماه سال گذشته، سفیر ژاپن در واکنش به اظهارات رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران به ذکر این نکته پرداخت که با شروع جنک اوکراین، روسیه مذاکرات دوجانبه با ژاپن درباره جزایر اشغالی کویرل را متوقف کرده است که خرازی در پاسخ به مواضع آیکوا، تصریح کرد که تهران به‌عنوان یک موضوع اصولی با هرگونه مداخله نظامی و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها مخالف است و به اعتقاد این‌جانب بهترین راه برای حل‌وفصل اختلافات ارضی بین ژاپن و روسیه بر سر جزایر چهارگانه کویرل، مذاکره مستقیم بین دو کشور است. از این‌رو به نظر می‌رسد ایران می‌تواند همین شیوه سیاسی و دیپلماتیک را ذیل یک «بدل دیپلماتیک» در قبال هر کشوری که بخواهد از ادعای امارات متحده عربی بر سر جزایر سه‌گانه حمایت کند، به اجرا درآورد. خاصه آنکه چین نیز مانند روسیه با کشورهای پیرامونی خود اختلافات ارضی و دریایی بسیاری دارد.